



سیری در رمانهای تاریخی فارسی (از ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۳ ش)^۱

رمان تاریخی^۲ فارسی که از آغاز تحت تأثیر مستقیم ادبیات اروپا بخصوص ترجمه رمانهای تاریخی فرانسه و نیز متأثر از اوضاع اجتماعی، سیاسی و فکری - فرهنگی عصر مشروطه در ایران پیدا شده بود و از دیدگاههای ملی‌گرایانه، اصلاح‌طلبانه و مترقیانه نویسندگان نشان خبر می‌داد، با روی کار آمدن رضاشاه، علیرغم پیشرفت قابل ملاحظه کمی و کیفی آن، ناخواسته در مسیر آرمانهای دستگاه حاکم قرار می‌گیرد و بُزایی اجتماعی اولیه خود را از دست می‌دهد. با این همه، هرگز از جنبه‌های ناسیونالیستی، هویت‌طلبی و استقلال‌جویی خود تهی نمی‌شود. اما در دو دهه بعد (در فاصله دهه بیست و سی)، نوعی احساساتی‌گری و ژورنالیسم بر فضای رمانهای تاریخی فارسی حاکم می‌شود که بتدریج این آثار را - دست‌کم به لحاظ محتوا - از اهداف اساسی شان دور می‌کند.

رمانهای تاریخی اولیه که در فاصله سالهای ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۰ ش نوشته می‌شوند اگرچه از نظر تکنیکهای داستان‌نویسی کاستی دارند با این همه، غنای محتوایی و جاذبه‌های رمانسی این آثار، آنها را صاحب کیفیتی می‌کند که قادر است مخاطبان بسیاری را به خود جذب کند و نویسندگان دیگر را نیز به تألیف چنین آثاری فراخواند. رمانهای تاریخی در دوره بعد با حفظ این دو جنبه، در مسیر تکامل نسبی هنری قرار می‌گیرند و از جهت فنون داستان‌نویسی تا حدی پیشرفت می‌کنند تا اینکه در فاصله سالهای پایانی دهه بیست و آغاز دهه سی، فنون داستان‌نویسی در این آثار قوت می‌گیرد و رمان تاریخی به شکل و صورت یک اثر داستانی نزدیک‌تر می‌شود، در عوض غنای محتوایی پیشین خود را

تا حد زیادی از دست می‌دهد. با این همه، رمان تاریخی فارسی از زمان ظهور تا سالهای تکوین و تکامل آن، به عنوان نوع ادبی عامه‌پسند، از سوی عموم باسوادان جامعه بخصوص جوانان، با اشتیاق تمام خوانده می‌شود و تأثیری بسزا در اذهان مخاطبان روزگار خویش برجای می‌نهد. آنچه‌آنکه با گذشت چندین دهه از روزهای رونق و شکوه این نوع ادبی و به‌رغم از دست رفتن مقتضیات وجودی آن، همچنان نوشته و خوانده می‌شود.

پیدایش رمان تاریخی فارسی در ایران، مقارن نابسامانیهای عصر مشروطه، علاوه بر مقتضیات و شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داخل کشور، از دو چشم‌انداز کلی فکری - فرهنگی و سیاسی - اجتماعی، تحت تأثیر برخورد ایران با غرب (اروپا) قرار دارد: گسترش دامنه روابط فرهنگی ایران با اروپا، اعزام دانشجو به خارج، فراخواندن معلمان خارجی به دارالفنون، رفت و آمد سران کشور و روشنفکران جامعه به اروپا، ورود کتب مختلف علمی، تاریخی، ادبی، دریافت تکنولوژی چاپ و نشر کتاب و مطبوعات و در نتیجه آشنایی ایرانیان با تاریخ تمدن و فرهنگ ملل اروپا، پی بردن به کیفیت انقلابهای مردمی، شناخت ساختارهای سیاسی و اجتماعی کشورهای دیگر و بویژه دست یافتن ایرانیان به درک درست از روحیه تجاوزه‌کارانه و فزون‌طلبانه غرب در برخورد با ایران که روز به روز هویت و استقلال ایران را در معرض نابودی قرار می‌داد باعث شد که ایرانیان هرچه بیشتر به ضعف خود و برتری دیگران پی ببرند.^۳

این برخورد نابرابر غرب با ایران، در کنار ناتوانی حکومت مرکزی در مقابله با تهاجمات بیگانگان و تحمل شکستهای پی در پی، تزلزل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران و انعکاس آن در فرد و جامعه، موجب شد تا روشنفکران جامعه، استقلال، هویت و امنیت ملی را در مرکز دید و توجه خود قرار دهند و با پیروی از قاعده دیرین - که در مواقع بروز خطرهای جدی بر هم‌زنده نظم، ثبات، امنیت و استقلال ملی، پایاب استواری در

تاریخ و فرهنگ گذشته جستجو می‌کردند - به تاریخ گذشته روی آوردند و مجد و عظمت دیرین ایران را این بار در قالب روایت منثور داستانی، مرور کنند. زمانی با پرداختن به دوره‌های افتخار و اشخاص ممتاز تاریخی و نمایاندن امتیازات آنها، حس غیرت و غرور وطن‌خواهی را در مخاطبان برانگیزند و وقتی دیگر، با توجه کردن به دوره‌های شکست تاریخی گذشته، با دیدی واقع‌نگر و انتقادی به ریشه‌یابی و تحلیل عوامل ضعف و تزلزل سیاسی در ادوار مختلف بپردازند و بدین وسیله بر دامنه آگاهیهای ملی مردم بیفزایند و این بار از چشم‌اندازی خردورزانه و کمتر احساسی، اندیشه‌های ملی‌گرایانه را در میان مردم ایجاد کنند.^۴ در هر دو گرایش مذکور، نگاه روشنفکران جامعه، از یک سو متوجه ابعاد داخلی معضل و از سوی دیگر، معطوف جهات خارجی آن بوده است. از این رو، اینان در آثار خود هم به زمینه‌ها و شرایط داخلی بروز نابسامانی توجه دارند و هم به علل و عوامل خارجی آن.

اینک پیشتر از آنکه به بحث اصلی نوشتار حاضر بپردازیم مناسب است برای تبیین ابعاد نظری بحث و فراهم آمدن زمینه ارتباطی مطالب، به تقسیم‌بندی مورد نظر خود از رمان تاریخی فارسی اشاره کنیم. گفتنی است که برخی از منتقدان نظیر ادوین میور در کتاب ساخت رمان^۵، ژوزف شیلی در فرهنگ اصطلاحات ادبی^۶، م. ه. ایبرامز در مقاله «انواع رمان»^۷، هر یک، تقسیم‌بندی‌هایی از رمان تاریخی ارائه کرده‌اند که چون تقسیم‌بندیهای مذکور چندان با ساخت و بافت و محتوای رمانهای تاریخی فارسی منطبق نیست و شاید براحتی نتوان رمانهای تاریخی فارسی را بر اساس چنین دسته‌بندی‌هایی مورد نقد و بررسی قرارداد، ناگزیر بر آن شده‌ایم تا تقسیم‌بندی ویژه‌ای از رمان تاریخی فارسی را در نظر آوریم که به سهولت بتوانیم رمانهای تاریخی موجود را در یکی از این تقسیم‌بندیها قرار دهیم.

مطالعه مجموعه‌ای از رمانهای تاریخی فارسی، گویای آن است که می‌توان این آثار را عمدتاً از سه

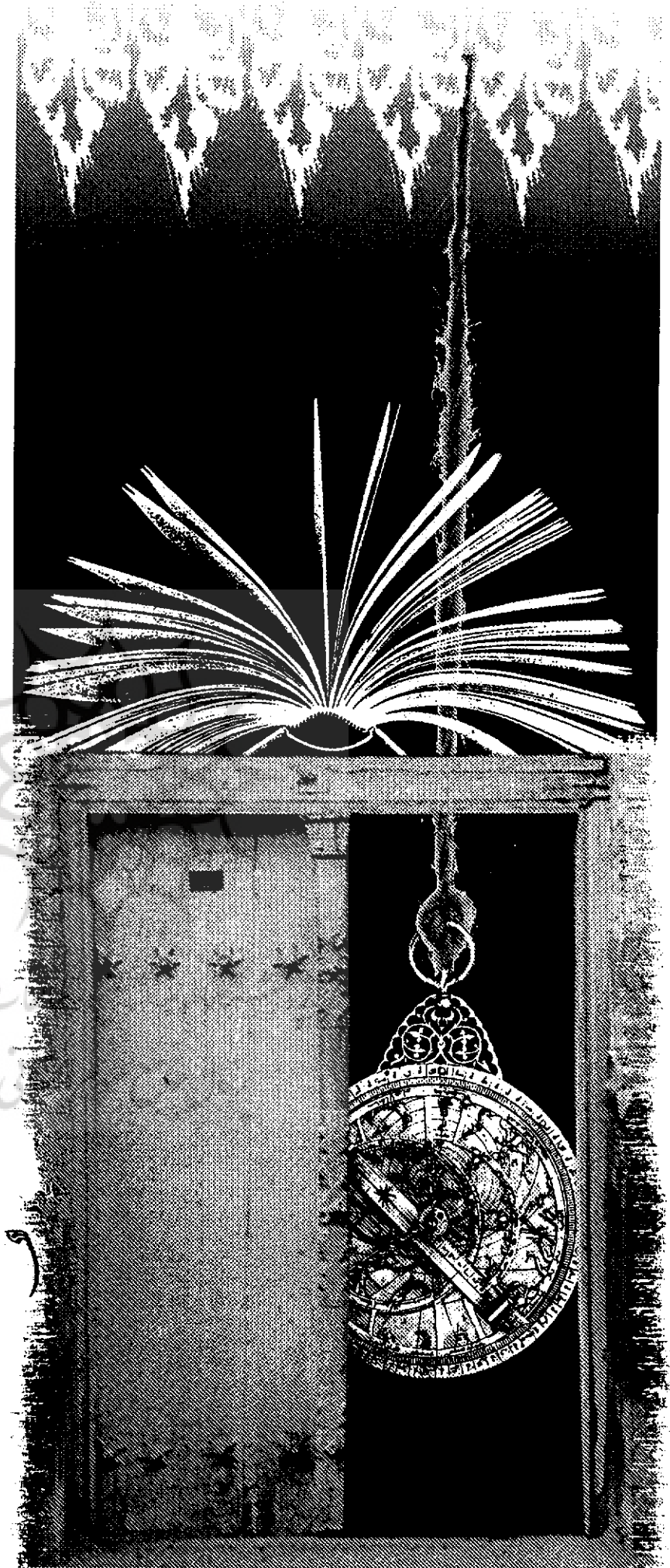
پرتال جامع علوم انسانی

سیری در رمانهای تاریخی فارسی

چشم‌انداز «نوع نگاه نویسنده‌گانشان به تاریخ»، «ساختار رمانها» و «قلمرو محتوایی این آثار» دسته‌بندی نمود.

از چشم‌انداز نخست (تقسیم‌بندی بر اساس نوع نگاه نویسنده به تاریخ) رمانهای تاریخی فارسی به سه گونه فرعی زیر تقسیم‌پذیرند: گونه اول، رمانهایی است که نویسنده آنها، دوره‌ای نسبتاً طولانی از روزگار گذشته را به قصد توصیف تاریخ و جامعه، در طی روایتی داستانی عرضه می‌کند. در این دسته از رمانهای تاریخی، نخستین هدف نویسنده آن است که بتواند تصویری دقیق و در مواردی انتقادی از یک دوره تاریخی ارائه دهد و تا حدی، در مسیر تحلیل تاریخ پیش رود. بی‌شک اشخاص و حوادث تاریخی نیز، از لوازم این نوع رمان هستند اما قصد نویسنده در وهله نخست، فراتر از پرداخت اشخاص و حوادث است. محور اصلی این رمانها را شرح و روایت دوره‌ای از تاریخ تشکیل می‌دهد. در رمانهای تاریخی فارسی، شمس و طغرا^۹ (۱۲۸۴)، عشق و سلطنت^{۱۰} (۱۲۹۵)، داستان باستان^{۱۱} (۱۲۹۹)، دام‌گستران^{۱۲} (۱۳۰۰)، داستان شهربانو^{۱۳} (۱۳۱۰)، پهلوان زند^{۱۴} (۱۳۱۲) و آشیانه عقاب^{۱۵} (۱۳۱۸) تا حدی چنین هدفی را دنبال می‌کند. مثلاً خسروی در شمس و طغرا حدود بیست سال از تاریخ حکومت اتابکان فارس و حاکمیت مغول بر ایران را بررسی کرده است؛ در دو رمان عشق و سلطنت و داستان باستان نیز، بیش از بیست سال از تاریخ آغاز حکومت کوروش هخامنشی روایت می‌شود؛ نویسندگان رمانهای دام‌گستران و داستان شهربانو، به بررسی و تحلیل حکومت آخرین پادشاه ساسانی و شکست ایرانیان از مسلمانان می‌پردازند؛ رمان پهلوان زند نیز حدود شانزده سال پایان حاکمیت زندیه بر ایران را توصیف و گاه تحلیل می‌کند؛ به همین گونه، آشیانه عقاب به بررسی دوره حکومت سلجوقیان و قیام حسن صباح می‌پردازد.

گونه دیگر از رمانهای تاریخی آنهایی هستند که داستانشان بر محور زندگی اشخاص تاریخی شکل



می‌گیرد. بارزترین ویژگی این رمانها آن است که در مرکز داستان، دلاوران و قهرمانان ملی، شخصیت‌های علمی - فرهنگی و احیاناً مذهبی قرار دارند. از این گروه می‌توان رمانهای سلحشور^{۱۵} (۱۳۱۲) درباره اردشیر بابکان، سیاه پوستان^{۱۶} (۱۳۲۳) پیرامون زندگی ابومسلم خراسانی، بابک و افشین^{۱۷} (۱۳۲۷) در باب زندگی و اقدامات سیاسی افشین، جفت پاک^{۱۸} (۱۳۱۱) و عشق و ادب^{۱۹} (۱۳۱۳) پیرامون زندگی حکیم فردوسی، مانی نقاش^{۲۰} (۱۳۰۵) درباره مانی، پنجه خونین^{۲۱} (۱۳۲۸) پیرامون زندگی شاه صفی صفوی، قهرمان ایرانشهر^{۲۲} (۱۳۳۲) در باب یعقوب لیث، قرآن^{۲۳} (۱۳۳۲) و شراره‌های خاموش شده^{۲۴} (۱۳۲۸) پیرامون زندگی و اقدامات لطفعلی خان زند و محمود و ایاز^{۲۵} (۱۳۳۰) درباره ایاز در دربار سلطان محمود غزنوی و... را نام برد. در این رمانها، هدف اصلی نویسندگان به تصویر کشیدن جنبه‌ها و جلوه‌هایی از احوال، افکار و اقدامات کسانی است که در تاریخ سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی ایران نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

سومین گونه از رمانهای تاریخی فارسی، از این چشم‌انداز، آثاری هستند که ساختمان داستانشان بر محور یک حادثه مهم تاریخی شکل می‌گیرد. البته، این بدان معنی نیست که رمانهای مذکور، تنها از یک حادثه تشکیل شده‌اند بلکه منظور آن است که عموماً در این رمانها یک حادثه عمده تاریخی در مرکز داستان قرار می‌گیرد و حوادث فرعی‌تر، به تکوین و تکامل حادثه اصلی یاری می‌رسانند اما هدف اصلی نویسنده از پرداخت این داستان، تصویر همان حادثه محوری است.

در بین رمانهای تاریخی فارسی موردنظر ما، مظالم ترکان خاتون^{۲۶} (۱۳۰۷) داستان جنگ سلطان محمد خوارزمشاه با مغولان، لازیکا^{۲۷} (۱۳۰۹) داستان نبرد ایران با روم بر سر لازیکا، دلیران تنگستانی^{۲۸} (۱۳۱۰) داستان مبارزه خانها و مردم دلاور جنوب با نیروهای مهاجم انگلیسی، بانوی زندانی^{۲۹} (۱۳۱۸) داستان جنگ کورش با کرزوس (شاه لیدی)، در راه نجات میهن^{۳۰} (۱۳۲۱) داستان نبرد داریوش هخامنشی با مغان زردشتی و شهبای بابل^{۳۱} (۱۳۳۱) داستان رویارویی و کشمکش خشایارشا هخامنشی با کاهنان بابل را روایت می‌کنند.

ویساریون گریگوریویچ یلینسکی (۱۸۱۰-۱۸۴۸ م) نویسنده و منتقد روسی، نوعی تقسیم‌بندی از رمانهای

تاریخی ارائه کرده است که تا حدی با تقسیم‌بندی مذکور همخوانی دارد. او سه گونه فرعی «حماسه تاریخی»، «رمانهای تاریخی بیوگرافیک (بیوگرافی شاعرانه)» و «داستانهای تاریخی جنگی» را از انواع رمانهای تاریخی برمی‌شمارد.^{۳۲} چنانکه مشاهده می‌شود این گونه‌های فرعی را می‌توان تا اندازه‌ای با انواع مورد نظر ما تطبیق داد اما در کاربرد چنین تعابیر و اصطلاحاتی باید قدری تردید و احتیاط روا داشت.

تقسیم‌بندی رمانهای تاریخی فارسی از حیث ساختار، دوگونه کلی زیر را از هم تفکیک می‌کند:

گونه نخست، آثاری است که با عنوان رمانس [تاریخی] سنتی و مرسوم شناخته می‌شوند. این گونه از رمانهای تاریخی، از «تاریخ» به عنوان زمینه‌ای برای شکل‌گیری حوادث مهیج و یا ماجراهای عاشقانه استفاده می‌کند و اساساً تمایلی به تحلیل دوره یا اشخاص تاریخی از خود نشان نمی‌دهد. طرح چنین داستانهایی عمداً بر ماجرا و حادثه‌جویی مبتنی است و قهرمانان غالباً اشرافی آنها، برای رسیدن به مطلوب و آرزویی (معشوق) تلاش می‌کنند و اغلب در تعقیب و گریز به سر می‌برند. علاوه بر این، شخصیت‌های چنین آثاری ساده و از هرگونه تحولی بدورند. عنصر زمان نیز در این آثار، بیشتر جنبه کلی دارد و نقش خاصی در تکوین داستان و شخصیت‌های آن ایفا نمی‌کند. در جمع رمانهای تاریخی فارسی، آثاری چون شمس و طغرای خسروی، عشق و سلطنت نثری همدانی، داستان باستان بدیع، مانی نقاش و سلحشور صنعتی‌زاده کرمانی، جفت پاک سالور، پهلوان زند شین‌پرتو، دخمه ارغون^{۳۳} یغمایی، بانوی زندانی خلیلی، آشیانه عقاب مؤتمن و نظایر اینها شباهت بسیاری به رمانسها دارند و چون مهمترین عناصر سازنده رمانسها یعنی حادثه‌پردازی و ماجراجویی در ساختار اصلی این داستانها شرکت دارد می‌توان آنها را گونه‌ای رمانس تاریخی به‌شمار آورد. با این توضیح که همه این آثار، در یک حد و اندازه با رمانسها شبیه نیستند. فی‌المثل از بین رمانهای تاریخی فارسی، شمس و طغرای عشق و سلطنت، داستان باستان و مانی نقاش مشابهت بیشتری با رمانسها دارند.

از این حیث می‌توان گفت هرچه از آغاز جریان رمان تاریخی نویسی فاصله می‌گیریم و به حوزه نسل دوم رمانهای تاریخی نزدیک می‌شویم ویژگی‌های رمانسی این آثار رو به کاهش می‌نهد و ساخت رمانی

آنها قوام بیشتری می‌یابد از جمله آنکه حوادث نامحتمل و فرعی و نالازم در آنها کمتر دیده می‌شود.

گفتنی است که انجام این تقسیم‌بندی و قرار دادن برخی از رمانهای تاریخی فارسی در دایره رمانس سنتی، بی‌شک خالی از تسامح نیست چراکه همین آثار نیز در نقاطی با «رمان» اشتراک دارند و گاه در برخی از آنها ترکیبی از رمان، رمانس و حتی گزارش، قابل تشخیص است.

گونه دوم از رمانهای تاریخی از حیث ساختار، رمانهایی هستند که می‌توان آنها را تحت عنوان «رمان تاریخی شخصیت» دسته‌بندی کرد. چنین رمانهایی برآنند که بیشتر به ارائه و نمایش اشخاص داستان بپردازند تا مکان و زمان و حوادث تاریخی. در این قبیل آثار، نویسنده بیشتر از هر عنصری در داستان، بر شخصیت آن تأکید می‌کند. وی حتی تحلیلهای خود درباره یک دوره یا واقعه تاریخی را از چشم‌انداز اشخاص داستان ارائه می‌دهد. ساخت رمان دام‌گستران صنعتی‌زاده کرمانی، مظالم ترکان خاتون و لازیکا اثر کمالی، پنجه خونین زمانی آشتیانی تا حدی به ساخت رمان (تاریخی) شخصیت، شبیه است. رمان دام‌گستران برگرد صفات و حالات یزدگرد ساسانی و ماهوی مزدکی شکل می‌گیرد؛ داستان مظالم ترکان خاتون، حول محور شخصیت و منش و اخلاق ترکان خاتون، مادر سلطان محمد خوارزمشاه، استوار است؛ در رمان لازیکا نیز فرشید موبد و ویژگیها و خصایص روحی و رفتاری او در مرکز داستان قرار می‌گیرد و بالاخره تلمی و وقایع و حوادث پنجه خونین نیز بر خلق و خوی و منش شاه صفی صفوی مبتنی است.

تقسیم‌بندی پایانی ما از رمانهای تاریخی فارسی، بر ابعاد معنایی یا قلمرو محتوایی این آثار استوار است. از این منظر نیز می‌توان رمانهای تاریخی فارسی را به دو دسته رمانهای تاریخی انتقادی و غیرانتقادی تقسیم کرد:

رمانهای دسته اول، عمدتاً به دوره‌هایی از تاریخ سیاسی، اجتماعی ایران توجه دارند که می‌توان از آنها به «دوره شکست» تعبیر کرد. در این دسته از آثار اگرچه اشخاص و حوادث تاریخی در مرکز داستان جای دارند یا این همه، این اشخاص و حوادث مایه غرور ملی نیستند و یا دست‌کم تصویری که در این آثار از آنها ارائه می‌شود، تصویری انتقادی و احیاناً منفی است. فی‌المثل خسروی در شمس و طغرای به دوره حاکمیت مغول بر

ایران توجه می‌کند؛ صنعتی‌زاده در دام‌گستران به فرجام کار ساسانیان و غلبه مسلمانان بر ایران می‌پردازد؛ حیدرعلی کمالی نیز در مظلّم ترکان خاتون، هم به دوره شکست (غلبه مغول بر ایران) و هم به شخصیتی منفی چون ترکان خاتون توجه می‌کند؛ در رمان شهربانو، رحیم‌زاده صفوی، به سالهای پایانی حکومت ساسانی و چیرگی مسلمانان بر ایران می‌پردازد؛ شین پرتو نیز در پهلوان زند پریشانی و از هم‌پاشیدگی سالهای پایانی حکومت زندیه را به تصویر می‌کشد؛ همچنین زمانی آشتیانی در پنجه خونین چهره منفور شاه صفی صفوی را ترسیم می‌کند. در تمام این آثار، اولاً دوره‌های شکست ملی ایرانیان و یا شخصیت‌های منفی تاریخ ایران، موضوع رمان قرار می‌گیرد. دیگر آنکه، نویسندگان آنها غالباً با تاریخ، برخوردی انتقادی و از سر دقت و بینش دارند. این دو نکته که از زاویه فلسفه شکل‌گیری رمان تاریخی در ایران و خاستگاه ناسیونالیستی آن چندان موجه نمی‌نماید بی‌شک ریشه در تحولاتی دارد که در فن تاریخنگاری نوین در عصر مشروطه و پس از آن، بروز کرده است.

در مقابل رمانهای تاریخی با محتوای انتقادی، گونه دیگری از رمان تاریخی فارسی یافت می‌شود که غالباً به دوره‌های افتخار آن هم از سر تحسین و تنزیه می‌نگرد و قصد نویسنده این آثار، آن است که روزگاران عزت و سربلندی ملی را فریاد مخاطبان آورد و بدین طریق، حس خفته ملی‌گرایی و وطن‌دوستی را در آنها بیدار کند. نثری همدانی در عشق و سلطنت و بدیع در داستان باستان به دوره هخامنشیان و حاکمیت مقتدرانه و مدبرانه کوروش می‌پردازند. صنعتی‌زاده کرمانی در سلحشور از روزگار حکومت اردشیر بابکان و غلبه ایران بر روم سخن می‌گوید. در دورمان شهبای بابل جلالی و بانوی زندانی اثر خلیلی، به دوره امپراطوری با عظمت ایران در عصر کوروش توجه می‌شود. این نوع از رمانهای تاریخی، اساساً جنبه انتقادی ندارند و یا اگر احیاناً انتقادی در کار است به دوره، اشخاص یا حوادث تاریخی ایران مربوط نیست.

باری در این گفتار برآنیم تا با سیری تحلیلی در رمان‌های تاریخی فارسی، دورنمایی کلی از این جریان ادبی را در فاصله سال‌های ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۲ ارائه دهیم. این دوره حدوداً پنجاه ساله را بنا به دلایل و قرائنی به سه دوره کوتاهتر^{۳۴}، تقسیم‌بندی و رمان‌های تاریخی هر دوره را ذیل این تقسیم‌بندی معرفی و بررسی

می‌کنیم.

دوره نخست، حدود شانزده سال (یعنی از ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۰) به طول می‌انجامد. در این فاصله نسل اول رمان‌های تاریخی فارسی نوشته می‌شوند. اگر حساب شمس و طغرا را که در دهه هشتاد نوشته شده است جدا کنیم، سه رمان دیگر این دوره (عشق و سلطنت ۱۲۹۵ / داستان باستان ۱۲۹۹ / دام‌گستران ۱۲۹۹ - ۱۳۰۰) محصول سال‌های پایانی قرن سیزدهم هستند. رمان‌های این دوره، به رغم برخی تفاوت‌ها، هم به لحاظ ساختاری و هم به جهت محتوایی و معنایی و خاستگاه فکری در مجموع شباهت‌های نزدیکی با هم دارند از این حیث می‌توان آنها را در یک ردیف و تحت عنوان «رمان‌های تاریخی نسل اول» یا «رمان‌های تاریخی پیشاهنگ»، بررسی کرد.

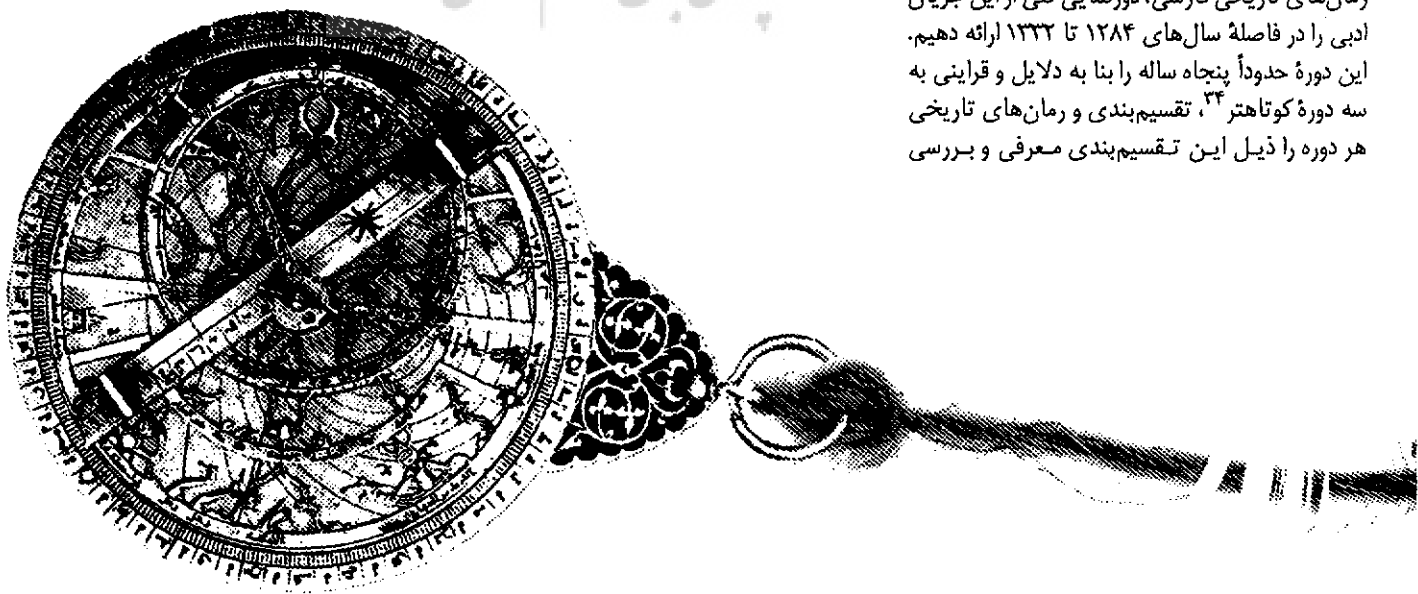
شمس و طغرا، نخستین رمان تاریخی از نسل اول رمان‌های تاریخی فارسی، محصول سال‌های بحرانی عصر مشروطه‌خواهی ایرانیان است.^{۳۵} محمدباقر میرزا خسروی (۱۲۶۶ - ۱۳۳۸ ه. ق) در این اثر، بی‌آنکه قصد خود را آشکار سازد، مقطعی از تاریخ گذشته را موضوع داستان خود قرار می‌دهد که مجازاً تصویری از عصر زندگی نویسنده در آن نمایان است. از همین رهگذر است که می‌توان گفت خسروی در جهت تصویر کردن مشکلات و پریشانی‌های کشور مقارن سال‌های فتنه خیز مشروطه‌خواهی کام برداشته است. پرداختن وی به پریشانی‌ها و هرج و مرج‌های بروز کرده بر اثر ضعف و بی‌کفایتی حکومت اتابکان فارس و نشان دادن سلطه‌گری‌های بیگانگان مغول بر ایران، همه و همه، گواه آن است که خسروی امنیت و هویت ملی ایران عصر مشروطه را در معرض خطرهای داخلی و خارجی یافته است.

به فاصله چند سال پس از نگارش شمس و طغرا، عشق و سلطنت (۱۲۹۵) و داستان باستان (۱۲۹۹) نوشته و چاپ می‌شوند. در این دو اثر، موسی نثری همدانی (۱۲۶۰ - ۱۳۳۲ ش) و محمدحسن خان بدیع (۱۲۵۱ - ۱۳۱۶ ش) تاریخ عصر حکومت کوروش

هخامنشی را موضوع رمان خویش قرار می‌دهند. طبعاً رویکرد اینان به دوره‌ای از تاریخ گذشته که عصر شکوفایی و اقتدار ملی ایران به شمار می‌رود جنبه تحلیلی و انتقادی نخواهد داشت بلکه این دو نویسنده برآنند تا با تصویر کردن روزگار بهروزی ایرانیان اولاً حس ملی‌گرایی و وطن‌دوستی را در مخاطبان برانگیزانند و در ثانی، با به نمایش گذاردن پهلوانی‌ها و خصایل نیکوی قهرمانان داستان روح پاک، اخلاق و انسانیت را در مخاطبان آثار خود بدمند. نویسندگان این دو رمان، گویا بیشتر از آن که نگران مخاطرات داخلی باشند متوجه خطرات خارجی هستند و آنچه‌آن که از فحوی داستان‌ها بر می‌آید راه مقابله با چنین خطراتی را در تشکیل حکومت مقتدر مرکزی و فراهم آمدن وحدت ملی در سایه آن، جستجو می‌کنند. در این آثار، قهرمان تاریخ ساز ملی، در مرکز داستان قرار دارد. باید شخص وطن‌پرست و اصلاح‌طلبی چون کوروش ظهور کند و به مدد عقل و تدبیر و قدرت خویش، در رفع اختلافات داخلی و آسیب‌های خارجی بکوشد. قهرمانی که حکومتش تا حدی بر پایه قانون و رأی و نظر مردم استوار است. از این روست که می‌توان گفت در عشق و سلطنت و داستان باستان، رد پای مشروطه‌خواهی و اصلاح‌طلبی نویسندگانشان به وضوح دیده می‌شود.

عبدالحسین صنعتی‌زاده کرمانی (۱۲۷۴ - ۱۳۵۲)، در سال ۱۳۰۰، چهارمین رمان تاریخی فارسی (دام‌گستران) را با دیدگاهی نسبتاً متفاوت با دو اثر پیشین و با نگاهی انتقادی و تحلیل‌گرانه، چاپ و عرضه کرد. وی در این اثر، دوره‌ای از تاریخ گذشته ایران را موضوع کار خود قرار داد که عصر شکست تاریخی ایرانیان محسوب می‌شد: تاریخ حکومت رو به زوال یزدگرد سوم و غلبه مسلمانان بر ایران.

این انتخاب اگرچه به ظاهر با روح زمان همخوان نبود و حس غرور ملی ایرانیان را تا حدی خدشه‌دار می‌کرد^{۳۶} اما بی‌شک در گسترش و عمق بخشیدن به آگاهی‌های ملی مؤثر افتاد. پرداختن به دوره‌ای که مظهر بی‌ثباتی‌ها و پریشانی‌های داخلی و ضعف و



زبونی در برابر نیروهای خارجی بود، از یک جهت نیز می توانست آئینه تمام نمای روزگاران ایران در بحبوحه سال‌های پس از انقلاب مشروطیت و آشوب‌ها و پریشانیهای سز بر کرده از درون این انقلاب و در نهایت بروز جنگ جهانی اول را در برابر چشمان جستجوگر مخاطبان قرار دهد. به علاوه، صنعتی زاده برخلاف خسروی، نثری همدانی و بدیع، به ذکر حوادث و وقایع تاریخی اکتفا نکرد بلکه تا حد زیادی در مسیر تحلیل تاریخ پیش رفت و با دیدی واقع بینانه تر، علل سقوط ساسانیان و غلبه مسلمانان بر ایران را ریشه یابی نمود. او، بی لیاقتی حکام وقت و درباریان، ضعف و تن پروری سپاهیان، کارشکنی های مزدکیان و دخالت و دست اندازی های موبدان دینی را از یک سو، و حاکمیت روح ایمان، ایثار و برادری در میان مسلمانان را از سوی دیگر، به عنوان مهمترین عوامل مؤثر در شکست ایرانیان و پیروزی مسلمانان، ریشه یابی و ذکر نمود.

دام گستران صنعتی زاده، به لحاظ کیفیت داستان نویسی نیز، نسبت به سه اثر پیشین در مقامی متفاوت و تا حدی برتر می نشیند. اولاً با احتراز از حادثه پردازی های پی در پی و قهرمان پروری های رایج در شمس و طغرا، عشق و سلطنت و داستان باستان، تا حد زیادی از فضا و کیفیت رمانسی چنین آثاری فاصله می گیرد. در ثانی، با به کار بستن شیوه های کارآمد در شخصیت پردازی، در مسیر تحلیل روحی و روانی اشخاص داستان گام برمی دارد. ثالثاً در دام گستران دسیسه های دیگری چون توطئه، خیانت و انتقام، وارد فضای داستان می شود که حاکی از عمیق تر شدن جهات معنایی و تکامل ساختار داستانی اثر است.

نویسندگان نسل اول رمان های تاریخی (پیشاهنگان رمان تاریخی نویسی) از آنجا که در کار خویش نیت آموزشی دارند و تا حد زیادی برداشتشان از رمان تاریخی، کتابی است که حقایق و آموزه های تاریخی را در قالب داستان روایت می کند، غالباً «دوره های تاریخی» را موضوع کار خود قرار می دهند و نسبت به مستندسازی حقایق تاریخی توجه ویژه دارند. فی المثل، خسروی در مقدمه کوتاه خود بر شمس و طغرا، به این نکته اشاره می کند که این کتاب تاریخ مجملی است از وقایع بیست و چهار ساله فارس و زمان پادشاهی آیش خاتون، آخر اتابک از سلسله سلغریان و... . موسی نثری همدانی نیز می نویسد که این بنده... به خیال افتادم که چند جلد (ژمن) تاریخی تألیف نمایم که یک دوره تاریخ در ضمن آنها مندرج بوده و برای عموم هموطنان مفید باشد... نویسنده داستان باستان

نیز در مقدمه مفید خود می نویسد: «ما باید امروزه حاجیات (?) را بر کمالیات ترجیح دهیم و عوض ترجمه افسانه های خارجه، داستان های سودمند در موضوع ایران بنویسیم و نکات اخلاقی و اجتماعی را در ضمن افسانه های شیرین گوشزد هموطنان عزیز خودمان کنیم.»

از این مقدمه ها و محتوای رمان های مذکور به خوبی پیداست که نویسندگان آنها، آشکارا قصد آموزش تاریخ و اخلاق و اجتماعیات را دارند و جهات داستانی این آثار برای آنها، در مرتبه دوم قرار دارد. این بینش تعلیم مدار و اصلاح طلبانه، گرچه در رمان های تاریخی دوره بعد نیز تا حدی دیده می شود اما چندان چشم گیر نیست.

دوره دوم رمان تاریخی نویسی در ایران، فاصله بیست ساله ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ را در بر می گیرد. در این تقسیم بندی، از یک طرف سال های آغازین حاکمیت پهلوی مدنظر است که در فراهم آمدن زمینه های رشد و شکوفایی این پدیده نوین ادبی بی تأثیر نیست و از سوی دیگر به سال های پایانی حکومت رضاخان نظر داریم که این بار نیز در کاهش رونق بازار رمان تاریخی نویسی تأثیرگذار است. در این دوره که از لحاظ کمی و حیاتی از لحاظ کیفی دوره رواج رمان تاریخی فارسی نام دارد، قریب به بیست عنوان رمان تاریخی نوشته می شود.

نخستین رمان تاریخی این دوره محمود افغان در راه اصفهان^{۳۷} نام دارد که حسین سخنیار متخلص به مسرور (۱۲۶۷ - ۱۳۳۷) آن را در سال ۱۳۰۰ نوشته و در مجله نوبهار چاپ کرده است. عبدالحسین صنعتی زاده، دومین رمان تاریخی خود را با عنوان داستان مانی نقاش در سال ۱۳۰۵ می نویسد. وی در این اثر، ضمن بازگو کردن داستان زندگی مانی، شرحی از حکومت شاپور ساسانی و غلبه او بر روم را بیان می کند. دو سال پس از این، حیدرعلی کمالی (۱۲۴۸ - ۱۳۱۵) شاعر و نویسنده روشنفکر عصر، رمان تاریخی مظالم ترکان خاتون (۱۳۰۷) را درباره حکومت رو به زوال سلطان محمد خوارزمشاه و غلبه مغولان بر ایران به رشته تحریر می کشد. عروس مدی، رمان تاریخی دیگری است که عباس آریان پور کاشانی (۱۲۸۵ - ۱۳۶۳) آن را در سال ۱۳۰۸ چاپ می کند.^{۳۸} حیدرعلی کمالی در سال ۱۳۰۹، دومین رمان تاریخی کوتاه خود را با عنوان لازیکا، به تاریخ عصر ساسانی اختصاص می دهد و تا حدی با دید انتقادی به بررسی نقش موبدان زردشتی در دستگاه حکومت ساسانی می پردازد. علی اصغر

رحیم زاده صفوی (۱۲۷۳ - ۱۳۳۸) داستان شهربانو (۱۳۱۰) را به مطالعه در سال های پایانی حکومت یزدگرد سوم و غلبه مسلمانان بر ایران و ستمکاری های دستگاه خلافت اموی اختصاص می دهد و در این کار، شیوه های تحلیلی در پیش می گیرد. در دلیران تنگستانی (۱۳۱۰) محمدحسین رکن زاده آدمیت (۱۲۷۷ - ۱۳۵۲) داستان مقاومت و جانفشانی مردم جنوب را در برابر نیروهای بیگانه انگلیسی روایت می کند. جنبه تاریخی و تحقیقی دو اثر اخیرالذکر برجهاست داستانی آنها غلبه دارد. حسینقلی میرزا سالور (۱۲۹۴ - ۱۳۶۸)، جفت پاک (۱۳۱۱) را به شرح و توصیف زندگی پدر و مادر فردوسی اختصاص می دهد. دو رمان تاریخی پهلوان زند و سلحشور در سال ۱۳۱۲ نوشته می شود. علی شیرازپور پرتو معروف به شین پرتو (۱۲۸۶ - ۱۳۷۶) در پهلوان زند، شرحی از سال های پایانی حکومت زندیه و غلبه آغامحمدخان قاجار بر لطفعلی را بازگو می کند. صنعتی زاده کرمانی نیز در سلحشور، سومین رمان تاریخی خود، چگونگی روی کار آمدن اردشیر بابکان و مقابله او با دشمنان خارجی را شرح می دهد، علی محمد آزاد همدانی (۱۲۶۰ - ۱۳۲۴) رمان عشق و ادب (۱۳۱۳) را مقارن برگزاری کنگره بزرگداشت یک هزارمین سال تولد فردوسی، درباره فردوسی و اقران او که خیزشی فرهنگی را علیه دستگاه خلافت عباسی آغاز کرده بودند می نویسد. یحیی قریب نیز رمان تاریخی خود را با عنوان یعقوب بن لیث در سال ۱۳۱۴ رقم می زند. حبیب یغمایی (۱۲۸۰ - ۱۳۶۳) هم در همین سال، در رمان دخمه ارغون از یک سو به جنگ های صلیبی و از سوی دیگر به تاریخ عصر ایلخانان مغول و نیز عصر حکومت فتحعلی شاه قاجار می پردازد و به نوعی این سه مقطع تاریخی را به مدد داستان به هم ربط می دهد. در سال ۱۳۱۶، زین العابدین رهنما (۱۲۷۲ - ۱۳۶۸) رمان تاریخی پیامبر را رقم می زند و نخستین بار در بیروت به چاپ می رساند. ظاهراً در طی همین سال ها، محمدعلی خلیلی، دختر کورش را درباره نحوه روی کار آمدن داریوش هخامنشی می نویسد. محتوای این اثر، علاوه بر موضوع شباهت غربی با رمان در راه نجات میهن علی جلالی که در سال ۱۳۲۱ نوشته شده است دارد. خلیلی رمان تاریخی دیگر خود را با عنوان بانوی نیل یا فتح مصر، در سال ۱۳۱۷ رقم می زند و در آن از وقایع سلطنت کمبوجیه پسر کورش و فتح مصر به دست او سخن می گوید. محمدرضا خلیلی عراقی (متولد ۱۲۹۴ ش) رمان تاریخی بانوی زندانی یا شراره های عشق

میهن را در سال ۱۳۱۸ پیرامون فتوحات کورش کبیر به رشته تحریر می‌کشد و بالاخره زین‌العابدین مؤتمن (۱۲۹۳ - ۱۳۶۸) آشنانه عقاب را که ظاهراً در سال ۱۳۱۴ نوشته بود، به سال ۱۳۱۸ به چاپ می‌رساند.

این دوره تقریباً بیست ساله را در بررسی جریان رمان تاریخی نویسی در ایران، باید عصر رشد و شکوفایی کمی و تا حدی کیفی این نوع ادبی به شمار آورد. از نظر کمی، بیشترین تعداد رمان‌های تاریخی فارسی (قریب به بیست عنوان) در این دوره نوشته می‌شود. همچنین در ایسن دوره، رمان‌های خوش‌ساخت تر و عمیق تری نسبت به دوره قبل نظیر آثار حیدرعلی کمالی، صنعتی‌زاده کرمانی^{۳۹} و رحیم‌زاده صفوی پا به عرصه وجود می‌نهد. علاوه بر این، در این دوره، گونه‌ای رمان تاریخی نوشته می‌شود که به جای پرداختن به ادوار تاریخی، اشخاص و قهرمانان و یا یک حادثه عمده تاریخی را موضوع کار خود قرار می‌دهد. پیداست که در این عصر، تحولی کیفی در محتوای رمان‌های تاریخی به وقوع پیوسته است بدین معنی که چون آثار خلق شده در این دوره، قهرمان یا حادثه‌ای تاریخی را می‌پروارند چندان به ابعاد آموزشی آنها توجه نمی‌کنند و به همین دلیل، رمان تاریخی از شکل نخستین خود فاصله می‌گیرد و تا حدی رنگ و لعاب

داستانی می‌یابد. در آثار این دوره، دیگر از مقدمه‌هایی که در رمان‌های تاریخی نسل اول دیده می‌شد و نویسندگان در آنها به توجیه ابعاد آموزشی آثار خود می‌پرداختند و گاه منابع و مآخذ کار خود را نیز تعیین می‌کردند کمتر اثری دیده می‌شود. حتی نویسنده‌ای مورخ چون رحیم‌زاده صفوی که سخت پایبند صحت حقایق تاریخی اثر خویش است و در نخستین چاپ داستان شهربانو، مآخذ و مستندات خود را هم ارائه می‌دهد، در چاپ دوم و زمانی که می‌خواهد کتاب را به شکل مستقل چاپ کند، این شیوه را ترک می‌گوید و متذکر می‌شود که رعایت چنین شیوه‌ای متناسب بیان داستانی نیست.

از سوی دیگر، برخی از نویسندگان این عصر می‌کوشند تا به جوهر تاریخ و درک صحیح آن دست یابند. از این گروه می‌توان به حیدرعلی کمالی در دو رمان تاریخی مظالم ترکان خاتون و لازیکا و تا حدی به رحیم‌زاده صفوی و صنعتی‌زاده کرمانی اشاره کرد. این نکته خود حاکی از تغییر نگرشی است که بر اثر برخورد با غرب بخصوص اروپا و در مقولاتی چون تاریخ ایجاد شده است.

کمالی در طی عباراتی کوتاه در مقدمه چاپ نخست، نگرش خود را نسبت به فن تاریخ و جوهر آن

بازگو می‌کند و می‌گوید:

«اگر مورخین که تاریخ واقعات ایران را نوشته‌اند اندکی هم داخل در اخلاق و اوضاع اجتماعی شده و علل انهدام یا زوال سلطنت‌ها را و همچنین فلسفه تأسیس و ایجاد حکومت‌ها را در روح جامعه جستجو می‌کردند هم مردم به ضرر و نفع خود بهتر پی برده و هم ما امروز برای بدست آوردن یک مطلب کوچک این همه در تاریکی نمی‌رفتیم.»

یکی دیگر از ویژگی‌های دوره دوم جریان رمان تاریخی نویسی، حضور معلمان، استادان، کارمندان دولتی و مردان سیاسی در عرصه تألیف رمان تاریخی است. نخستین دلیل این امر آن است که چون وسایل طبع و نشر کتاب به اندازه‌های نبوده که گذران و زندگانی نویسندگان حرفه‌ای را تأمین کند ناچار نویسندگان، جزو جامعه معلمان، استادان، کارمندان دولتی و مردان سیاسی بودند که از راه‌های دیگر ارتزاق می‌کردند:^{۴۰} حسین مسرور به تدریس اشتغال داشت؛ کمالی از سیاسیون عصر و نماینده دوره‌های نهم و دهم مجلس بود؛ آریان پور به ترجمه و تدریس اشتغال داشت. رحیم‌زاده مرد سیاست و روزنامه نگار بود؛ شین پرتو در وزارت امور خارجه کار می‌کرد؛ آزاد همدانی مدت‌ها رییس فرهنگ کاشان و همدان و معلم تاریخ بود. حبیب یغمایی به تدریس و روزنامه‌نگاری اشتغال داشت؛ زین‌العابدین رهنما سمت وزارت داشت و... دلیل دیگر را باید در تحولی جستجو کرد که تا این زمان در فن تاریخ‌نگاری بروز کرده و لزوم تغییر در شیوه‌های آموزش و تدوین تاریخ را در نظر صاحب‌نظران ضروری ساخته است.

نکته ویژه‌ای که از حضور اقشار مذکور در جمع نویسندگان رمان‌های تاریخی و محتوای آثار آنان استنباط می‌شود، آن است که چون بسیاری از این نویسندگان، مناصب دولتی داشته و گاه خود جزو وابستگان یا حواشی دستگاه حکومت بوده‌اند خواسته یا ناخواسته در مسیر اهداف و خواست‌های حکومت وقت قرار گرفته‌اند. از این رو آثار قلمی اینان بعضاً تا حدی دیدگاه‌های واپسگرایانه آنها را بازتاب می‌داد. فی‌المثل رحیم‌زاده صفوی در داستان شهربانو به ریشه‌یابی علل سقوط حکومت ساسانی می‌پردازد و برنایودی آن مویه می‌کند و خواهان تجدید حیات حکومت‌های سلطنتی است. آدمیت نیز در دلیران تنگستانی تمام آرزوها و آرمان‌های دست‌نیافتنی خود را در وجود رضاخان و در سایه حکومت او برآورده می‌یابد. صنعتی‌زاده کرمانی هم در داستان مانی نقاش و سلحشور، بر لزوم همدلی و



یاری همگان برای احیا و تداوم سلطنت تأکید می‌کند. دوره سوم جریان رمان تاریخی نویسی در ایران، (حدوداً از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲) با بروز رکودی نسبی و پس از وقفه‌ای چند ساله در تألیف رمان تاریخی آغاز می‌شود. علی جلالی، نخستین رمان تاریخی این دوره را تحت عنوان در راه نجات میهن، در سال ۱۳۲۱ دربارهٔ خیانت مغان زرتشتی و روی کار آمدن داریوش کبیر می‌نویسد. صنعتی زاده کرمانی چهارمین رمان تاریخی خود (سیاهپوشان) را پیرامون زندگی ابومسلم خراسانی در سال ۱۳۲۳ رقم می‌زند. عشق و پادشاهی را اقبال یغمایی (۱۳۲۶-۱۲۹۵) در سال ۱۳۲۵ دربارهٔ تورجهان و جهانگیر می‌نویسد. ناصر نجمی (؟- ۱۳۰۳) ظاهراً نخستین رمان تاریخی خود را با عنوان عباس میرزا در سال ۱۳۲۶ به چاپ می‌رساند. اثر دیگر او با نام داستانهای تاریخی در سال ۱۳۲۷ نوشته می‌شود.^{۴۱} سالهای ۲۷ و ۲۸ و پس از آن، در دوره سوم، از اهمیت خاصی برخوردارند. در فاصله سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ و پس از آن، رمان تاریخی فارسی غالباً برمدار پاورقی و ضمیمه نشریات عامه پسندی چون «تهران مصور»، «اطلاعات هفتگی»، «ترقی»، «خواندنیها»، «سپید و سیاه»، «امید»، «صبأ» و... شکل می‌گیرد و از نظر تعداد نیز شمار رمانهای تاریخی رو به افزایش می‌نهد. حسین سخنیار (مسرور)، رمان تاریخی پر حجم و نسبتاً موفق ده نفر قزلباش را در پاورقی «روزنامه اطلاعات» سال ۱۳۲۷ به چاپ می‌رساند.^{۴۲} موضوع این رمان تاریخی ارزشمند، شرح و روایت اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در عصر صفوی، بخصوص سالهای حکومت شاه اسماعیل و شاه طهماسب و شاه عباس صفوی است. عبدالرحیم همایونفرخ (۱۲۶۳-۱۳۳۸) نیز در سال ۱۳۲۸، خلاصه‌ای از رمان تاریخی هشتصد صفحه‌ای خود را با عنوان بابک و افشین بازنویسی و در پاورقی مجله «هوخ» سالهای ۱۳ و ۱۴ چاپ می‌کند و در این رمان کوتاه داستان زندگی افشین پارسی را شرح می‌دهد.^{۴۳} ابراهیم زمانی آشتیانی (۱۲۶۸-۱۲۹۴)، پاورقی نویس زیر دست و پرکار نشریه «ترقی»، پنجه خونین را به سال ۱۳۲۷ دربارهٔ زندگی و حکومت شاه صفی صفوی می‌نگارد. شراره‌های خاموش شده، عنوان رمان

دیگری است که ناصرالدین شاه حسینی آن را در سال ۱۳۲۸ می‌نویسد و در آن به زندگی و عشق لطفعلی خان زند می‌پردازد. ابوالفضل دیکانفر، رمان تاریخی محمود و ایاز را در سال ۱۳۳۰ تألیف می‌کند. لطف الله ترقی، مدیر نشریه ترقی، خود نویسنده دیگری است که رمان تاریخی شهبای بغداد را دربارهٔ کشتار برمکیان و انتقام هواداران آنها از عباسیان در سال ۱۳۳۱ می‌نویسد. از این نویسنده، دو رمان عشقی - تاریخی دیگر با عناوین عشقبازیهای ناصرالدین شاه و معصومه نیز در دست است که تاریخ دقیق چاپ آنها مشخص نیست اما این نکته را می‌دانیم که عشقبازیهای ناصرالدین به صورت پاورقی در مجله ترقی به چاپ رسیده است. علی جلالی، اثر دیگر خود را با عنوان شهبای بابل، در سال ۱۳۳۱ به شکل دومین ضمیمه خواندنیها چاپ می‌کند. شین پرتو نیز دومین رمان تاریخی خود (قهرمان ایرانشهر) را دربارهٔ یعقوب لیث و قیام او در سال ۱۳۳۲ می‌نویسد و بالاخره آخرین رمانی که تا سال ۱۳۳۲ نوشته و در قالب کتاب مستقل عرضه می‌شود، قرآن اثر حسین سخنیار (مسرور) است که به نبرد لطفعلی خان با آغامحمدخان قاجار اختصاص دارد.

از ویژگیهای دیگر دوره سوم جریان رمان تاریخی نویسی، یکی آن است که بیشتر رمانهای تاریخی این عصر، به زندگی اشخاص تاریخی می‌پردازند: سیاه پوشان دربارهٔ ابومسلم خراسانی؛ بابک و افشین پیرامون زندگی افشین (خیذر پسر کاووس)؛ پنجه خونین دربارهٔ شاه صفی صفوی؛ شراره‌های خاموش شده و قرآن دربارهٔ لطفعلی خان زند؛ قهرمان ایرانشهر پیرامون زندگی یعقوب لیث صفاری و...

این مایه توجه نویسندگان به قهرمانان تاریخی حاکی از دو نوع نگرش است: نخست آنکه این نویسندگان، هنوز همچنان معتقد به تاریخ ساز بودن قهرمانان تاریخی هستند که باید برای نجات کشور برخیزند و در اصلاح جامعه بکوشند.

این نگرش، تا حد زیادی قابل پذیرش و برخاسته از وضعیت تأسف بار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ایران در روزگار پس از جنگ جهانی دوم و ناتوانی محمدرضا

پهلوی در تمشیت امور کشور است. و دیگر آنکه چون نویسندگان رمانهای تاریخی در ادوار پیشین به قدر کافی به دوره‌های تاریخی توجه کرده‌اند اینان شایسته می‌بینند که به زندگی اشخاص تاریخی بپردازند. این نویسندگان آگاهی دارند که عصر نگارش رمان تاریخی با اهداف آموزشی به سرآمده و اینک زمان آن رسیده است تا به رمان، از منظر یک اثر ادبی محض نگریسته شود از این رو، زندگی اشخاص تاریخی را دارای چنان زمینه و امکانی می‌یابند که می‌تواند جاذبه‌های داستانی اثر را افزایش دهد. کاربست این شگرد، تا حد زیادی زمینه ارتقای رمانهای تاریخی را به سطح یک اثر ادبی داستانی فراهم می‌سازد.

ویژگی دیگری که این دوره را از دوره‌های دیگر متمایز می‌کند حضور تعدادی نویسنده حرفه‌ای در عرصه رمان تاریخی است. در این دوره، بخصوص در سالهای پایانی دهه سی، بازار نشریات و مجلات هفتگی و ماهانه و نیز بازار کتاب تا حدی رونق می‌گیرد^{۴۴} و هر روز خوانندگان بیشتری به سراغ این آثار می‌آیند. از این رو، در این دوره، نوشتن داستان و چاپ آن در پاورقی مجلات و روزنامه‌ها و یا به صورت ضمیمه نشریات، می‌تواند برای صاحبان آن هم اجر مادی داشته باشد و هم شهرت کافی به ارمغان آورد. این عامل و انگیزه که در دوره‌های پیشین کم سابقه و تا حدی بی‌سابقه بوده است و به دلیل ناکافی بودن تکنولوژی چاپ نمی‌توانست در زندگی مادی نویسندگان هم تاثیری بگذارد، در این دوره، زمینه ظهور کسانی را فراهم ساخت که از راه نویسندگی امرارمعاش می‌کردند. فی‌المثل نویسنده پرکار و نسبتاً توانایی چون ابراهیم زمانی آشتیانی^{۴۵} (۱۳۶۸-۱۲۹۴. ش) با نوشتن داستانهای مسلسل خود نه تنها از اجر مادی کافی بهره‌مند می‌شود که زمینه رونق بازار مجله «ترقی» و افزایش تیراژ آن را نیز فراهم می‌سازد و یا حسینقلی مستعان (ح. م. حمید) (؟-۱۲۸۳. ش) با چاپ آثار خود در مجله «تهران مصور» به رقابت با پاورقی نویس مجله «ترقی» برمی‌خیزد و مخاطبان فراوانی به چنگ می‌آورد.

مطالعه رمانهای تاریخی فارسی در فاصله سالهای ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۲ نشان می‌دهد که این نوع ادبی بخوبی

توانسته است با تکیه زدن بر مسند خود، در مسیر تحول و تکامل ساختاری، تکنیکی، سبکی و حتی محتوایی قرار گیرد. در این عمر چهل - پنجاه ساله خود از شکل و فرم رمانسی دور شود و به هیات واقعی «رمان تاریخی» در آید.

همچنانکه پیشتر اشاره شد رمانهای تاریخی نسل اول، ترکیبی بوده‌اند از کتاب تاریخ به اضافه رمانسهای عاشقانه. بخشی از ساختار این آثار، از ماجراهای هیجان‌انگیز و تو در توی عاشقانه، سفرکردنها و خطرکردنهای عشاق برای رسیدن به معشوق حوادث و عناصر خارق‌العاده و نامعقول و بخشی دیگر، از درسها و آموزه‌های تاریخی، جغرافیایی، اخلاقی و احیاناً اجتماعی نویسندگان که در قالب مقدمه آغازین کتاب، پیش‌درآمد داستان در فصل نخست، توضیحات و اشارات و نقل قولهای میان‌متنی نویسنده (نظیر ابیات، مصراعها، مثلها و تمثیلهای و...) و ارائه توصیفات تاریخی، جغرافیایی و... تشکیل شده بود نظیر ساختاری که در سه رمان شمس و طغرا، عشق و سلطنت و داستان باستان دیده می‌شود.

این ساختار ناهمگون، اندک اندک در رمانهای تاریخی نسل دوم و سوم رو به تعدیل و تکامل می‌نهد: مقدمه‌های کوتاهی که نویسندگان رمانهای تاریخی نسل اول غالباً در تبیین اهداف آموزشی اثر خود

می‌نوشتند و در آن منابع و مأخذ موضوع کار خود را ذکر می‌کردند، از آغاز رمانها حذف می‌شود؛ تحلیلیها و توضیحات تاریخی جغرافیایی نویسندگان که غالباً فصل نخست چنین آثاری را تشکیل می‌داد از میان می‌رود. از این رو، داستان رمانهای نسل دوم و سوم از سطر نخست آغاز می‌شود و بسرعت پیش می‌رود؛ نکته‌های پندآموز، اشارات حکیمانه و نقل قولهای میان‌متنی نویسندگان نسل اول رمانهای تاریخی که با ساختار و بافت روایی رمان تناسبی ندارد از متن رمانهای بعدی حذف می‌شود؛ در رمانهایی که به دوره دوم و سوم مربوط‌اند، دیگر، از توصیفات متنوع و طولانی مکانهای جغرافیایی، وقایع، حوادث و اشخاص تاریخی که صرف آموزش ارائه می‌شد، اثری برجای نمی‌ماند؛ همچنین ماجراهای شگفت‌انگیز و تو در توی عاشقانه و حوادث و عناصر نامعقول از این آثار رخت بر می‌بندد. جای دسیسه‌های متعدد عاشقانه رمانهای تاریخی اولیه را دسیسه‌های دیگری چون انتقام، کینه، حرص و آز، خیانت و... پر می‌کند. و بالاخره پرداختن به «دوره‌های تاریخی» در رمانهای اولیه تاریخی که با کتابهای تاریخ تناسب بیشتری دارد تا با یک اثر داستانی صرف، جای خود را به حوادث و اشخاص تاریخی می‌سپارد.

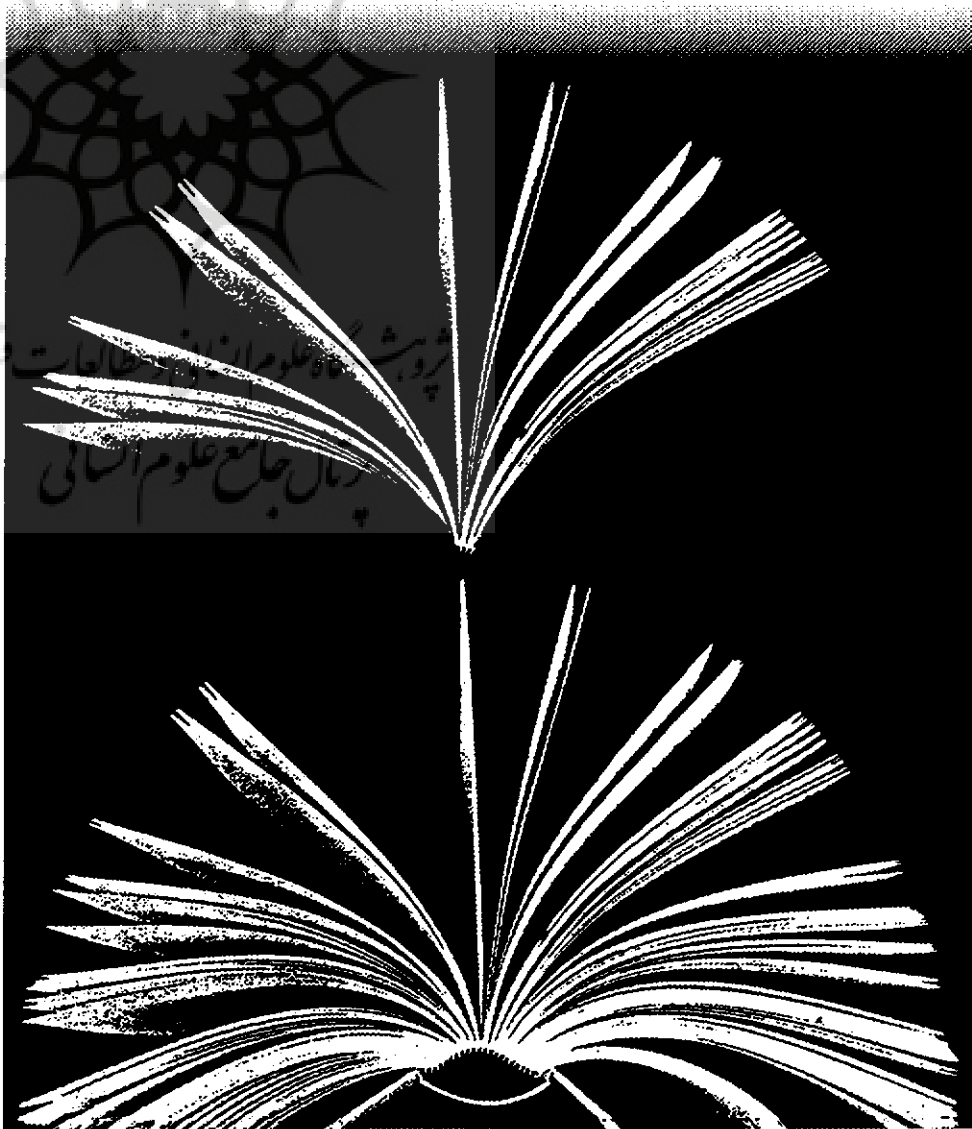
وقوع چنین تحولات ارزنده‌ای در ساختار رمان

تاریخی، حاکی از آن است که رمان تاریخی بتدریج از شکل رمانسی و جهات آموزشی خود، دور و تا حدی به ساختار ادبی و بافت هنری نزدیک شده است.

بررسی فنون داستان‌نویسی در رمانهای تاریخی نسل دوم و سوم نیز همین نکته را تأیید و تأکید می‌نماید: اشخاص اصلی رمانهای تاریخی اولیه را غالباً قهرمانان عاشق پیشه‌ای تشکیل می‌دادند که هیچ ویژگی منحصر به فردی آنها را از هم ممتاز نمی‌کرد از این رو به شکل غریبی به هم شباهت داشتند. همه آنها در یک نظر عاشق می‌شدند؛ با سوز و گداز روزگار می‌گذراندند؛ برای وصال می‌کوشیدند؛ به سرزمینهای دور دست سفر می‌کردند؛ با دشمنان می‌جنگیدند و بر همه آنها چیره می‌شدند و بالاخره با رفع همه موانع به معشوق دست می‌یافتند.

چنین است که می‌توان گفت نویسندگان رمانهای تاریخی اولیه بیشتر از آنکه شخصیت‌پردازی کنند قهرمان حماسی یا شوالیه عاشق پیشه پرورنده‌اند. این شیوه نامتناسب با جهان رمان، بتدریج در نمونه‌های بعدی دچار تحول می‌شود. اشخاص رمانها بتدریج رنگ و لعاب شخصیت داستانی به خود می‌گیرند و فردیت خود را تا حدی باز می‌یابند. مثال بارز چنین اشخاصی، لطفعلی خان است در پهلوان زند شین پرتو؛ فرشید موبد است در لازبکای کمالی و خسروپرویز است در دام‌گستران صنعتی زاده. اینان بواقع شخصیت‌هایی هستند با نقاط ضعف و قوت یک انسان عادی که گاهی شکست می‌خورند و گاه پیروز می‌شوند؛ محبت می‌کنند و کینه می‌ورزند....

خصیصه دیگری که نشانگر تحول تکنیکی در رمانهای تاریخی فارسی تواند بود استفاده شگردی رمان نویسان از دو عنصر داستانی «توصیف و گفتگو» است. «توصیف» و «گفتگو» که در نمونه‌های نخستین رمانهای تاریخی فارسی، در خدمت اهداف آموزشی نویسندگان قرار داشت و رمان نویسان، اطلاعات، تحلیلیها و توضیحات تاریخی، دینی و اجتماعی خود را در این قالبها به مخاطبان القا می‌کردند. و یا بعضاً وظیفه آرایش بافت داستانی را برعهده داشت، در رمانهای تاریخی نسل دوم و سوم به ابزار و عنصری صرفاً داستانی بدل می‌شود. توصیفات به کار رفته در



این آثار عمدتاً وجهه کارکردی به خود می‌گیرند و ابزاری می‌شوند برای معرفی اشخاص داستان، پرداخت صحنه‌های داستان و فضا سازی متناسب با موقعیت در اماتیک اثر. این نکته خود، دلیلی است آشکار بر بروز تحول در به کارگیری تکنیکهای داستانی. به علاوه حذف توصیفات پر دامنه آموزشی در رمانهای تاریخی نسل دوم و سوم و جایگزین شدن حرکت داستانی به جای آن، خود نشانه دیگری است از این تحول.

«گفتگو» نیز که همچون توصیف در رمانهای تاریخی اولیه بار القای اطلاعات گوناگون و تحلیلهای تاریخی نویسنده را بر دوش می‌کشید و تا حدی در تصویر کردن حالات عاطفی عشاق مؤثر می‌افتاد، در آثار دوره‌های بعد، به عنوان عنصری داستانی نقش کارکردی بخود می‌گیرد. بدین ترتیب که غالباً حرکت شکل‌گیری داستان را سرعت می‌بخشد؛ در شناساندن منش اشخاص به مخاطبان مؤثر می‌افتد؛ بخشی از روایت داستان را برعهده می‌گیرد و در ایجاد همخوانی بین جهان داستان و دنیای بیرون، تأثیر می‌گذارد. از این‌روست که می‌توان گفت عنصر «گفتگو» نیز در رمانهای تاریخی دوره دوم و سوم، به جایگاه داستانی خود به عنوان عنصری داستانی نزدیک شده است و این نکته نیز به جای خود، از تحول تکنیکی رمانهای تاریخی خبر می‌دهد.

در رمانهای تاریخی نسل دوم و سوم، به لحاظ محتوایی نیز تحولات چشمگیری نسبت به نمونه‌های اولیه آن مشاهده می‌شود. یکی از دلایل این امر، حضور و نقش آفرینی مردم عادی از طبقات مختلف اجتماع و عنصر «زن» در رمانهای تاریخی دوره‌های واپسین است. غالب اشخاص داستانی آثار اولیه را افراد دربار و اشراف و طبقات فوقانی اجتماع تشکیل می‌دهند که عمدتاً مدافع حقوق و پایبند آرمانهای طبقه اجتماعی خویش‌اند و هیچ‌گونه تغییر و تحولی را در ساختارهای زیربنایی جامعه تحمل نمی‌کنند. از این رو، می‌توان گفت جهان محتوایی رمانهای تاریخی اولیه جهان تک صدایی و حاکمیت از بالا است. در چنین آثاری، اگر هم بویی از اصلاح احساس شود، منظور اصلاحی است که باید از بالا اعمال گردد نه آنکه مردم عادی در آن نقشی داشته باشند. اما، رمان تاریخی نویسان دوره‌های بعد، زاویه دید خود را از طبقات بالای اجتماع به سمت مردم عادی تغییر دادند؛ خواستها و آرمانهای گروه کثیری از مردم را نیز در نظر آوردند؛ آنها را تا حدی در تحولات اجتماعی دخالت دادند؛ حتی، عنصر «زن» را از بافت کاملاً سنتی و حقیر جامعه فتودالی بیرون کشیدند و وجهه و اعتباری اجتماعی بخشیدند. چنین تغییر نگرشی را در دام گستران، پنجه خونین و تا حدی در لازیکا می‌توان سراغ گرفت. در این آثار، مردم عادی دست کم به موازات طبقات بالای جامعه، نقش آفرینی

می‌کنند و بعضاً زمینه ساز تحولات اجتماعی عصر خود هستند.

به علاوه، رمانهای تاریخی نسل اول، همگی مبلغ دیدگاه ایرانی - انیرانی صاحبانشان هستند. در این چشم‌انداز، که از متون کلاسیک ادب فارسی نظیر شاهنامه فردوسی در رمانهای تاریخی راه یافته است، ایرانیان در همه صحنه‌ها و فراز و فرودهای داستان، نقش مثبت دارند و مظهر نیکی، شجاعت، انسانیت و حق‌مداری هستند. برعکس این گروه، انیرانیان‌اند که عمدتاً نقش ضد قهرمان داستانها را برعهده دارند و اغلب صفات پست، در اینان یافت می‌شود. پروراندن چنین اندیشه‌ای در رمانهای تاریخی اولیه، اگرچه جهات ناسیونالیستی این آثار را تقویت می‌کند، حس هویت‌طلبی و استقلال جویی ایرانیان را برمی‌انگیزد و با وضعیت بحرانی ایران در بحبوحه جنگ جهانی اول همخوان است. و نیز، حکایت از ارتباط محتوایی این آثار با متون کلاسیک ادبیات فارسی دارد، از منظر داستان نویسی نقص عمده‌ای به شمار می‌رود. تقدیر نویسندگان به چنین نگرشی، بواقع مانع از آن است که آنان بتوانند به معنی دقیق کلمه شخصیت‌پردازی کنند. همچنان که گذشت آنان ناگزیرند اشخاص داستان خود را در یکی از این دوره جای دهند و بر همین اساس، شخصیت و منش افراد داستان را به شکلی کلیشه‌ای رقم بزنند. رعایت چنین شیوه‌ای، بیش از آنکه با تکنیکها و محتوای رمانهای امروزی همخوان باشد با داستان‌های حماسی و پهلوانی قدیم مطابقت دارد و پایبندی به چنین دیدگاهی، در نهایت به خلق یک اثر حماسی منجر می‌گردد و اشخاص داستانی را در سطح «پهلوان یا قهرمان حماسه» نگه می‌دارد.

این دیدگاه در رمانهای تاریخی نسل دوم به بعد بتدریج متحول می‌شود تا جایی که در آثاری چون دام گستران، لازیکا، پهلوان زند و پنجه خونین، دیگر چنین اندیشه و روشی به چشم نمی‌خورد. از این حیث نیز می‌توان گفت در رمانهای تاریخی نسل دوم و سوم از جهت محتوا نیز، تحولی، حاصل شده است.

مطالعه سبک رمانهای تاریخی فارسی و مقایسه آنها با هم، حکایت از آن دارد که در این آثار، به لحاظ سبکی نیز تحولی در خور توجه رخ داده است. رمانهای تاریخی شمس و طغرا، عشق و سلطنت، داستان باستان و دام گستران، همگی از جهت نحوی و واژگانی، کهنه‌گراییند؛ حضور فراوان واژگان کهنه فارسی و عربی، کاربرد ساختهای نحوی قدیم و پیچیده، آرایش مفرط نثر به آرایه‌های بدیعی لفظی و معنوی، ترکیب نامتجانس نثر با شعر و... مصادیقی از این کهنه‌گرایی به شمار می‌روند که علیرغم زیبایی، با بافت ساده روایی داستان‌های امروزی سختی چندانی ندارند.

هر چه از رمانهای تاریخی نسل اول فاصله

می‌گیریم، زبان داستانها رو به نوشدن می‌نهد؛ شمار واژگان کهنه فارسی و عربی کاهش می‌گیرد؛ ساختهای نحوی قدیمی و پیچیده بتدریج از زبان داستان خارج می‌شود؛ آرایش‌های بلاغی نثر داستانها رو به تعادل می‌نهد؛ مظاهر حشو در کلام همچون مترادفات، عبارات توضیحی، مثلها و تمثیلهای شعری از بافت داستان خارج می‌شود. از این‌روست که می‌توان گفت زبان داستانها به تناسب ساخت، محتوا و مخاطبان خود (عامه مردم) رو به سادگی، روانی و ایجاز نهاده است و نتیجه آنکه رمان تاریخی فارسی، در عمر نسبتاً کوتاه خود، در کنار تحولات ساختاری، تکنیکی و محتوایی، به لحاظ زبانی هم در مسیر تکامل قرار گرفته و بتدریج، به زبان روایی و شسته رفته داستانی دست یافته است.

پانوشتها:

- ۱- در این گفتار برآنیم تا رمان تاریخی فارسی را از سال پیدایش نخستین نمونه آن یعنی شمس و طغرا (۱۷۸۴) نگارش محمداقرا میرزا خسروی تا عصر رکود نسبی این نوع ادبی در فاصله سالهای آغازین دهه سی (۱۳۳۲) مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.
- ۲- رمان تاریخی (Historical Novel) روایت داستانی منتهوری است که در آن، نویسنده به مدد تخیل خویش و به یاری شخصیت‌های تاریخی و داستانی، به بازآفرینی حوادث، اشخاص و دوره‌های تاریخی می‌پردازد و در مسیر تحلیل حقایق تاریخی پیش می‌رود. غالباً در رمانهای تاریخی، عصر و دوره‌ای تصویر می‌شود که در آن دو عامل فرهنگی با هم در کشمکش‌اند و فرهنگی در حال مردن و فرهنگی در حال زادن است.
- ۳- برای اطلاع بیشتر در این زمینه، ر. ک: ایرانیان و اندیشه تجدد، جمشید بهنام، ص ۱۹ به بعد؛ از صبا تا نیما، یحیی آرین پور، ج ۱، ص ۲۵۲ به بعد؛ تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، حسین محبوبی اردکانی، ج اول، ص ۲۴۵ به بعد.
- ۴- در بین رمانهای تاریخی فارسی، از هر دو نوع مذکور نمونه‌هایی وجود دارد. بدین معنی که برخی از نویسندگان دوره‌های افتخار و اشخاص ممتاز تاریخ گذشته را موضوع اثر خود قرار می‌دهند و برخی دیگر، دوره‌های شکست و احياناً ناموجه تاریخی را. از این نمونه‌ها در طی همین گفتار سخن به میان خواهد آمد.
- ۵- ساخت رمان، میرو ادوین، ترجمه فردون بدره‌ای، ۱۳۷۳، ص ۶۵ به بعد.
- 6- Dictionary of World Literary terms. Joseph. T. Shipley. 1970. P.218.
- ۷- رمان چیست؟ (مجموعه مقالات)، ترجمه محسن سلیمانی، ۱۳۷۴، ص ۳۲ به بعد.
- ۸- خسروی محمداقرا میرزا، شمس و طغرا (۳ جلد) چاپ سوم، انتشارات معرفت، ۱۳۳۲، ۵۶۶ صفحه.
- ۹- نثری همدانی موسی، عشق و سلطنت یا فتوحات کورش کبیر (۳ جلد در یک مجلد)، چاپ اول، بی‌نا، ۱۳۹۵، ۵۰۶ صفحه.
- ۱۰- بدیع محمدحسن‌خان، داستان باستان یا

- سرگذشت کورش، بی‌نا، ۱۲۹۹، ۲۳۸ صفحه.
- ۱۱- صنعتی‌زاده کرمانی عبدالحسین، دام‌گستران یا انتقام‌خواهان مزدک (۲ جلد)، بی‌نا، ۱۳۰۰، ۲۴۵ صفحه.
- ۱۲- رحیم‌زاده صفوی علی‌اصغر، داستان شهربانو (۳ جلد) بی‌نا، ۱۳۱۰، ۶۳۷ صفحه.
- ۱۳- شیرازپورپرتو علی، پهلوان زند، بی‌نا، ۱۳۱۲، ۱۰۲ صفحه.
- ۱۴- مؤتمن زین‌العابدین، آشیانه عقاب، چاپ ششم، بنگاه مطبوعاتی افشاری، ۱۳۶۲، ۹۰۰ صفحه.
- ۱۵- صنعتی‌زاده کرمانی عبدالحسین، سلحشور، کتابخانه اقبال، تهران، ۱۳۱۲، ۲۱۲ صفحه.
- ۱۶- صنعتی‌زاده کرمانی عبدالحسین، سیاهپوشان، بنگاه معرفت، تهران، ۱۳۲۳، ۱۸۸ صفحه.
- ۱۷- همایونفرخ عبدالرحیم، داستان تاریخی بابک و افشین، بی‌نا، ۱۳۲۷، ۷۷ صفحه.
- ۱۸- سالور حسینی میرزا، جفت پاک، بی‌نا، ۱۳۱۱، ۴۲۴ صفحه.
- ۱۹- آزاد همدانی علی‌محمدخان، عشق و ادب یا سرگذشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، بی‌نا، ۱۳۱۳.
- ۲۰- صنعتی‌زاده کرمانی عبدالحسین، داستان مانی نقاش، مطبعة شوروی، ۱۳۰۵، ۱۱۶ صفحه.
- ۲۱- زمانی‌اشتیانی ابراهیم، پنجه خونین، بی‌نا، ۱۳۲۸.

۳۰۴ صفحه.

- ۲۲- شیرازپورپرتو علی، قهرمان ایرانشهر، چاپخانه خرمی، ۱۳۳۲، ۱۶۴ صفحه.
- ۲۳- سخنیار (مسور) حسین، قرآن، بی‌نا، ۱۳۳۲، ۱۷۶ صفحه.
- ۲۴- شاه‌حسینی ناصرالدین، شراره‌های خاموش شده، بنگاه مطبوعاتی امروز، ۱۳۲۸، ۱۱۹ صفحه.
- ۲۵- دیکانفر ابوالفضل، محمود و ایاز، بی‌نا، ۱۳۳۰، ۱۴۴ صفحه.
- ۲۶- کمالی اصفهانی حیدرعلی، مظالم ترکان خاتون، بی‌نا، ۱۳۰۷، ۴۳ صفحه.
- ۲۷- کمالی اصفهانی حیدرعلی، لازیکا، بی‌نا، ۱۳۰۹، ۱۶۶ صفحه.
- ۲۸- رکن‌زاده آدمیت محمدحسین، دلبران تنگستانی، مطبعة سروش، ۱۳۱۰، ۱۲۷ صفحه.
- ۲۹- خلیلی محمدرضا، بانوی زندانی، بنگاه افشاری، ۱۳۱۹، ۸۸ صفحه.
- ۳۰- جلالی علی، در راه نجات میهن، بی‌نا، ۱۳۲۱، ۱۲۲ صفحه.
- ۳۱- جلالی علی، شبهای بابل، انتشارات بنگاه، ۱۳۳۱.
- ۳۲- مجموعه آثار بلینسکی، مسکو، ۱۹۵۳، ج اول، ص ۱۹۱، (به نقل از «یک داستان ارزنده تاریخی» غیاث‌الدین قادراف، مجله پیام نوین، دوره دهم، سال ۱۳۵۱، ش ۱، ص ۱۰۱).

- ۳۳- یغمایی حبیب، دخمه ارغون، چاپ دوم، بی‌نا، ۱۳۱۴، ۷۷ صفحه.
- ۳۴- فاصله سال‌های ۱۷۸۴ (سال تألیف نخستین رمان تاریخی فارسی) تا ۱۳۰۰ شمسی را که رمان‌های تاریخی اولیه فارسی در این سال‌ها شکل می‌گیرند، دوره اول یا دوره ظهور رمان تاریخی نامگذاری کرده‌ایم. از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ شمسی را که رمان‌های تاریخی فارسی از نظر کمی و تا حدی کیفی، در این فاصله رونق می‌گیرند دوره دوم یا دوره رشد و شکوفایی رمان تاریخی فارسی خوانده‌ایم و بالاخره، فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ شمسی را که رمان تاریخی فارسی از شکل و شمایل اولیه خود فاصله می‌گیرد و تا حدی از تک و تاز می‌افتد و از نظر محتوایی و عقیدتی، تغییر می‌یابد، دوره رکود نسبی یا تغییر مسیر رمان تاریخی فارسی نامیده‌ایم.
- ۳۵- خسروی در مقدمه کوتاه خود بر شمس و ظفرا می‌نویسد: «... در سنه ۱۳۲۵ هجری در موقعی که شهر کرمانشاه وطن او [مؤلف] به واسطه تهاجم اغراض فاسده و تراکم شرور و فتن و تطاول اشرار و اوپاش به کلی منقلب و مضطرب گشته و باب قتل و غارت و هتک ناموس در آن مفتوح و راه آسایش وصول مال و جان و آبرو از آن مسدود آمده (قراراً من الفتته) عیالات خود را برداشته به یکی از دهات دور از شهر رفته در نهایت ملالت و افسوس به حال وطن عزیز و ابناء وطن خود به سر می‌برد. چون زمان آن مهاجرت به دراز کشید و از نداشتن مونس و دمساز و اسباب اشتغال خاطر او را جان به لب رسید ناچار به تألیف و تصنیف این کتاب پرداخت. ۳۶- پیدایش رمان فارسی، کریستف بالایی، انتشارات معین، انجمن ایران‌شناسی فرانسه، ۱۳۷۷، ص ۳۸۱.
- ۳۷- ظاهراً از این رمان، چاپ مستقلی به شکل کتاب صورت نگرفته است از این رو، دسترسی ما بدان ممکن نشد.
- ۳۸- از این رمان تاریخی نیز نسخه‌ای به دست نیامد.
- ۳۹- صنعتی‌زاده کرمانی در گروه نویسندگانی جای دارد که تقریباً در تمامی طول عمر جریان رمان تاریخی‌نویسی، قلم می‌زند و از این رو، در هر سه دوره مورد بحث ما، حضور دارد و از جهت تعدد و تنوع رمان‌های تاریخی‌ای که نوشته است رمان تاریخی‌نویس حرفه‌ای به شمار می‌رود.
- ۴۰- نقد و سیاحت (مجموعه مقالات)، محمد گلین، توس، ۱۳۵۴، ص ۲۶۲.
- ۴۱- ناصرترجمی رمان‌های تاریخی دیگری دارد که غالباً پس از سال ۱۳۳۲ تألیف و چاپ شده‌اند.
- ۴۲- این رمان در سال ۱۳۲۵ به صورت مستقل در پنج جلد به چاپ رسیده است.
- ۴۳- چنانکه از مقدمه رمان کوتاه بابک و افشین بر می‌آید، اصل آن حجمی حدود هشتصد صفحه داشته که مفقود گردیده است و نویسنده اثر موجود را به درخواست ناشر، برای بار دوم نوشته است.
- ۴۴- برای اطلاع بیشتر، رک: ادبیات نوین ایران، مقاله «مطبوعات ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶، ش» ل. پ. الول ساتن، ترجمه یعقوب آژند، تهران ۱۳۶۳، ص ۲۲۹ به بعد.
- ۴۵- فیلمنامه نویسی و نویسنده پر طرفدار پاورقیهای تاریخی مجله ترقی، مسوول مجله ژاندارمری و مؤسس رادیو ژاندارمری و صاحب رمان‌های تاریخی بی‌شمار از جمله عشق و انتقام، به سوی روم (۳ جلد)، خورشید تیسفون، دلشاد خاتون (۷ جلد)، زیبایی مخوف (۷ جلد)، سلطانه جنگل (۱۱ جلد)، پنجه خونین و...

